نگاهی به کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» اثر حمید حسام

کارستانی برای یک قهرمان



فهیمه اسماعیلی
روزنامه‌نگار

حرف زدن از تکنیکی بودن یک کتاب در حالی که شخصیت اصلی و در واقع راوی آن هر دو پای خود را از دست داده شاید کار ناجوانمردانه‌ای باشد، ولی نباید از حق گذشت که حمید حسام به‌عنوان نویسنده خاطرات میرزامحمد سلگی کاری کرده کارستان که بعید است کسی این کتاب را بتواند کنار بگذارد. ناجوانمردانه از این حیث که خواننده در این کتاب سراسر رشادت و جوانمردی دیگر دقتی به فرم و ساختار نمی‌کند، بلکه محو ابهت چهره سردار سلگی می‌شود در حالی که اگر نبود فرم و ساختار موفق این کتاب، شاید رشادت‌ها و دلاورمردی‌های سلگی و همرزمانش دیده نمی‌شد و این‌طور در کانون توجه قرار نمی‌گرفت.

منظورم از «این کتاب» همان کتاب «آب هرگز نمی‌میرد» است. اثری که شاید بتوان آن را یکی از قدرتمندترین آثار مستندنگاری سال‌های اخیر در حوزه جنگ دانست؛ اثری که به غایت اصول فنی و تکنیکی در آن رعایت شده و خواننده سطر به سطر در کلاس درس تاریخ شفاهی حمید حسام به‌واسطه این کتاب شرکت کرده است. حسام در این کتاب به عنوان یک تدوین‌کننده خاطرات راوی حضور ندارد، بلکه خواننده در جای جای متن ردپای نویسنده را می‌بیند و حضور او را لمس می‌کند و این همان کار بزرگی است که حمید حسام در خلق کتاب عظیم آب هرگز نمی‌میرد کرده است. او فقط در حکم پیاده‌کننده مصاحبه‌ها و خاطرات سردار سلگی ظاهر نشده بلکه خاطرات را از زبان افراد دیگری که در موقعیت حاضر بوده‌اند نیز آورده تا صحت خاطرات سلگی را تایید کند. اتفاقی که در کمتر کتاب‌های تاریخ شفاهی و مستندنگاری به خصوص در حوزه جنگ سراغ داریم و حتی در برخی شائبه نقش‌آفرینی و داستان‌پردازی نویسنده و تدوین‌کننده نیز وجود دارد ولی در این کتاب سردار حمید حسام در نقش یک پژوهشگر جنگ وارد میدان شده و صرف بازتاب دادن خاطرات میرزا محمد سلگی دست به نوشتن نزده، بلکه یک کار علمی و دقیق در این زمینه به گنجینه ادبیات جنگ اضافه کرده است.

کتاب آب هرگز نمی‌میرد روایتی است از تشکیل گردان حضرت ابوالفضل(ع) تیپ انصارالحسین(ع) همدان که با توجه به عشق و ارادت سلگی به سقای دشت کربلا این‌گونه نامگذاری می‌شود و رشادت‌های بسیاری را در طول دوران جنگ تحمیلی نشان می‌دهد. فرمانده‌ای همیشه در صحنه که حتی قطع شدن پاهایش هم مانعی نبود برای این‌که گردان و تیپ را همراهی نکند و همین از او چهره‌ای خستگی‌ناپذیر و البته محبوب در میان رزمندگان ساخته بود. رشادت و مردانگی مهم‌ترین عنصری است که در سراسر متن کتاب به چشم می‌آید و خواننده در جای جای کتاب با توجه به ساختاری که حرفش زده شد این مردانگی را به چشم می‌بیند و راوی و نویسنده بدون دخالت در این امر تنها روایت خود را بازگو می‌کنند و قضاوت را برعهده مخاطب می‌گذارند. «عادت نداشتم هنگام ورود زن‌ها یا پرستاران آلمانی سرم را بالا بگیرم. پروفسور که شاید می‌دانست پایین بودن سرم از چیست، دست زیر چانه‌ام برد و گفت: ژنرال شما ایرانی‌ها سربلند هستید، شما زیر بار ظلم نرفته‌اید، مقابل آمریکا ایستاده‌اید، پس سرتان را بالا بگیرید.» همان‌طور که دیدید این مردانگی و رشادت بر پزشک معالج آلمانی میرزامحمد سلگی نیز آشکار بوده و این‌طور به آن اعتراف کرده است.

نکته‌ای که باید به آن اشاره کرد این که این کتاب برخلاف ظاهر و حجمی که دارد در دسته کتاب‌های روان و خوشخوان قرار می‌گیرد و در فرصت کوتاهی خواننده می‌تواند آن را تمام کند. کتابی که علاوه بر برگزیده شدن در بخش مستندنگاری جایزه جلال آل احمد، مورد توجه رهبر انقلاب نیز قرار گرفت و همین عامل محبوبیت این کتاب شده است. کتابی که در دومین دوره پویش کتاب «قهرمان من» به مخاطبان معرفی شده است. پویشی که در نظر دارد قهرمان‌های واقعی را به مخاطب نوجوان و جوان جامعه معرفی کند. در این پویش، آب هرگز نمی‌میرد با تدوین و اندکی تلخیص در دسترس مخاطبان قرار گرفته تا سرعت خواندن و بهره بردن از کتاب افزایش پیدا کند.

این کتاب را با خاطرات و روایت جذابش نمی‌توان کنار گذاشت به خصوص وقتی می‌بینیم که سلگی و یارانش در بدترین شرایط صحنه را خالی نکردند و همین مانع از این می‌شود که کتاب را زمین بگذاریم. کتابی که خاطرات رنگارنگ آن با قلم حمید حسام فضایی متفاوت و جذاب برای خواننده رقم می‌زند.

نباید از حق گذشت که حمید حسام به‌عنوان نویسنده خاطرات میرزامحمد سلگی کاری کرده کارستان که بعید است کسی این کتاب را بتواند کنار بگذارد

یادداشت

این حرکات مردمی است!



مصطفی وثوق‌کیا
روزنامه‌نگار

مسابقات و پویش‌های کتابخوانی اتفاقاتی هستند که چند سالی است در فضای جبهه فرهنگی انقلاب ایجاد شده و توانسته‌اند توجه مخاطبان و اهالی کتاب و حتی کسانی را که اهل خواندن نیستند به خود جلب کنند. اتفاقی که باید آن را حرکتی مردمی در فروش کتاب و آغاز دوران تازه‌ای در فضای کتاب کشور دانست.

کتاب‌هایی که در این پویش‌ها و مسابقات به مخاطبان معرفی می‌شود توانسته سلیقه طیف وسیعی از مخاطبان را تامین کند و این نشان می‌دهد انتخاب‌ها درست و به‌جا بوده و مخاطبان با استقبال از آنها مهر تاییدی بر آنها زده‌اند. پویش‌هایی که شمارگان کتاب‌ها را از رکود و رخوت فعلی بازار خارج کرده و عددهایی که برای بسیاری آرزو هستند را محقق ساخته‌اند.

مسابقه کتابخوانی «کتاب و زندگی» که به همت مجمع ناشران انقلاب اسلامی آغاز شده و توانسته کتاب‌هایی را در حیطه زنان و خانواده به جامعه معرفی کند از جمله اقداماتی است که در کنار ضعف‌هایش باید آن را ستایش کرد که توانسته حرکتی ملموس و مردمی را در زمینه کتاب آغاز کند. پویش مطالعاتی «روشنا» نیز دیگر حرکت مردمی است که توانسته تیراژهای کتب معرفی شده را افزایش دهد و رقم شمارگان کتاب‌ها را دورقمی و حتی سه‌رقمی کند.

مهم‌ترین خصیصه چنین حرکاتی مردمی بودن و اتکا به بدنه فروش عمومی است. اتفاقی که با همکاری ناشر و کتابفروش کتاب را به دست مخاطب اصلی می‌رساند و نشان می‌دهد ظرفیت‌های بالایی در فروش کتاب‌ها در جامعه وجود دارد که در صورت استفاده صحیح از آنها می‌توان آمار مطالعه و شمارگان کتاب‌ها را به سطح واقعی رساند. در حالی که گفته می‌شود کتاب‌ها در جامعه خوانده نمی‌شود حرکت‌هایی مانند آنچه گفته شد توانسته تصور رایج را برهم بزنند و ثابت کنند در صورت استفاده از ظرفیت‌های توزیعی و ترویجی می‌توان توجه مخاطبان را به کتاب‌ها جلب کرد.

اگر از برخی نقاط ضعف این اتفاقات بگذریم که «املای نوشته نشده غلط ندارد» باید به تقویت این اتفاقات کمک کرد، زیرا توانسته‌اند خون تازه‌ای در بازار نشر بدوانند و توجه جامعه را به سمت کتاب‌ها جلب کنند. کتاب‌هایی که در صورت معرفی و رسانده شدن به دست مخاطبان با اقبال روبه‌رو می‌شوند. واکنش‌ها به کتاب‌هایی که در این مسابقات و پویش‌ها معرفی می‌شوند، نشان می‌دهد کتاب‌ها خوانده شده و فروش مردمی آنها واقعی است. تصوری که طیفی از جامعه درصدد ترویج آن هستند این است که مخاطبان در جامعه کتاب نمی‌خوانند، ولی این حرکات نشان می‌دهد که نه‌تنها مردم کتاب می‌خرند، بلکه آنها را می‌خوانند و با آنها ارتباط برقرار می‌کنند. ارتباطی که براثر معرفی کتاب خوب روی می‌دهد.

